

۳۱۰۹۲۵۴

فلسفه انقلاب اسلامی در ایران

مبانی نظری
و ریشه‌های
پیدایش
انقلاب اسلامی

حمید مولانا

سروش
تهران ۱۳۹۹
شماره ترویج انتشار: ۱۷۸۰

| سرشناسه: مولانا، حمید، ۱۳۱۵ - | Mowlana, Hamid |
 | عنوان و نام پدیدآور: فلسفه انقلاب اسلامی در ایران / حمید مولانا. |
 | مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۹۹. |
 | مشخصات ظاهری: جلد ۳. | فروست: سروش |
 | شماره ترتیب انتشار ج. ۱. ۱۷۸۰. شماره ترتیب انتشار ج. ۲. ۱۷۸۱. |
 | شماره ترتیب انتشار ج. ۳. ۱۷۸۲. | شابک: ج. ۱: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۶۶۹-۸ | ج. ۲: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۶۷۱-۱ | ج. ۳: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۶۷۱-۱ |
 | وضعیت فهرست نویسی: فیا |
 | مندرجات: ج. ۱. مبانی نظری و ریشه های پیدایش انقلاب اسلامی. |
 | ج. ۲. انقلاب اسلامی و آرمان وحدت امت اسلامی. |
 | ج. ۳. انقلاب اسلامی و جهان معاصر. |
 | موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- علل |
 | موضوع: Causes -- Islamic Revolution, 1979 -- History -- Iran |
 | موضوع: انقلاب -- فلسفه | موضوع: Philosophy -- Revolutions |
 | موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر |
 | موضوع: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Criticism and interpretation |
 | رده بندی: ۵۵۱.۱ | رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳ | شماره کتاب شناسی ملی: ۶۱۳۷۳۶۵



| فلسفه انقلاب اسلامی در ایران (جلد ۳) | | مبانی نظری و ریشه های پیدایش انقلاب اسلامی |

| نویسنده: حمید مولانا |
 | ویراستار: مریم عابدی | طراح جلد: سعید ملک |
 | چاپ اول: ۱۳۹۹ | قیمت: ۳۸۰,۰۰۰ ریال | شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۶۶۹-۸ |
 | این کتاب در هزار نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد. |
 | تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش |
 | مرکز پخش: ۸-۸۸۳۴۵۰۶۴ | سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۵۳۵۶ |
 | همه حقوق محفوظ است | www.soroushpub.com |

فهرست

۱	مقدمه
۷	فصل اول؛ ریشه‌های عوامل پیدایش انقلاب اسلامی
۹	مبارزه و رمزهای اسلامی
۱۹	از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی
۲۷	ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی ۳۰ تیر و ۵ خرداد
۳۶	قیام خونین ۱۵ خرداد
۷۳	ریشه‌های پیروزی انقلاب اسلامی
۷۹	ریشه‌ها و خوشه‌های انقلاب اسلامی
۸۵	فصل دوم؛ مبانی و نظریه‌های انقلاب اسلامی
۸۷	هویت اسلامی و حکومت اسلامی
۹۲	جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی
۱۰۱	چه عواملی هویت اسلامی را تضعیف کرده است؟
۱۰۸	هویت اسلامی و تهاجم فرهنگی
۱۱۵	شناخت انقلاب اسلامی ایران
۱۲۸	زیبایی‌شناسی انقلاب اسلامی ایران
۱۳۶	چهره انقلاب اسلامی
۱۴۴	اصالت انقلاب اسلامی
۱۴۹	منظومه انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مدیریت زمان

۱۵۵ فصل سوم؛ امام خمینی(ره) و گفتمان انقلاب اسلامی

۱۶۳ ولایت فقیه اندیشه سیاسی اسلامی

۱۶۵ قدرت نرم

۱۷۵ امام خمینی(ره)، مصلح اسلامی و انقلابی

۲۰۱ اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره) فراسوی ملت دولت

۲۰۹ امام خمینی(ره) و روابط بین‌الملل

۲۱۵ قیام و خیزش(ره) و رشد و تکامل سیاسی

۲۲۱ امام خمینی(ره) در تاریخ

فصل چهارم؛ نقش مردم و احزاب سیاسی در شکل‌گیری ساختار

۲۲۳ انقلاب اسلامی

۲۳۵ تصمیم تاریخی مردم

۲۴۱ روز تاریخی ملت ایران

۲۴۵ در مسیر هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی

۲۵۰ شوراها و اسلامی و مشارکت مردمی

۲۵۵ ویژگی‌های رئیس‌جمهوری در نظام اسلامی

۲۶۳ شناخت ریاست‌جمهوری در نظام اسلامی

۲۶۸ تشکل سیاسی در ایران و انتخابات ریاست‌جمهوری

۲۷۳ جایگاه احزاب سیاسی در نظام اسلامی

۲۷۹ مردم و انتخابات ریاست‌جمهوری

۲۸۲ انتخابات ریاست‌جمهوری ایران

۲۸۶ ویژگی انتخابات مجلس

۲۹۱ تحلیلی بر انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان

۳۰۱ نظام اسلامی و مشکل اساسی سه نهاد

مقدمه

مفهوم اسلام از دیدگاه اسلامی، دگرگونی بنیادین در انسان و جامعه و جنبشی پیوسته در زمان و مکان است. از منظر اسلام، دگرگونی جامعه را پایانی نیست؛ زیرا دگرگونی عامل بیرونی نیست و در ژرفای انسان‌ها نهفته است. انقلاب در هر چوب آیین اسلامی، انقلابی درونی و انقلاب درونی آغاز اصلاح و هدایت جامعه است. مسلمانان به یاد دارند که روزی پیامبر(ص) در بازگشت از یکی از غزوات به پیروانش فرمود: «شما از جهاد اصغر به جهاد اکبر رسیده‌اید». آن‌ها پرسیدند: «جهاد اکبر چیست؟» وی فرمود: «جهاد رونی». منظور پیامبر(ص) این بود که پیروزی در نبرد و علیه نیروهای مخالف اسلام دستاوردی کوچک‌تر از تلاش مردم برای ریشه‌کنی جامعه غیراسلامی و جایگزینی آن با نظام اسلامی و ارزشی است.

به نظر می‌رسد که در جهان‌بینی اسلامی و تفکرات آن، سه سوره جدلی وجود دارد. اولین و مهم‌ترین آن‌ها، رابطه جهان‌بینی «توحید» و «شرک» است. در توحید وحدت ذاتی میان خداوند، انسان و طبیعت وجود دارد. انسان به مثابه امانت‌دار در طبیعت و به مثابه وارث ذات الهی پروردگار مطرح است. نوع بشر به عنوان نوعی بااراده، باید از طریق شناخت خویشتن، به سوی ذات الهی خود حرکت کند. نوع بشر در

ارتباط با این ذات الهی، به ایجاد رابطه ارزشی هماهنگ با طبیعت و دنیای هستی می‌پردازد. دومین و سومین مؤلفه‌های جدل را می‌توان در جهان‌بینی شرک بیان کرد. انسان از روح خدا و «حماء مسنون» ساخته شده است. این عوامل معرف حرکات دوگانه‌ای است که در آن، انسان می‌تواند از زمین به بهشت عروج و از بهشت به زمین تنزل کند. در دیدگاه شرک، که بر چندپارگی مبتنی است، انسان تسلیم حماء مسنون می‌شود و از بهشت به زمین هبوط می‌کند. معرفت علمیه اصل «اسماء» در تفکر اسلامی ارزش شمرده می‌شود، اما فقط ابزار رسان به هدف است و نه خود هدف. انسان‌ها از طریق کاربرد نمادها و معرفت به شناخت وحدت میان خویشتن، خدا، طبیعت و دنیای هستی می‌رسند. جهان‌بینی شرک برخلاف توحید، برگرایش به قدرت مبتنی است. هنگامی که قدرت از وجود زنده خود در روح خدا غصب و به اشکال اهل بیت خدایی آن داده می‌شود، جهان‌بینی توحید چندپاره می‌شود.

از آنجا که در اسلام زندگی کلمه منظم است، جامعه نه از نهادها مانند قبایل، خانواده یا ملت‌ها، بلکه از شیعت لایتغیر الهی ریشه می‌گیرد. بنابراین، هر انسان حکم واحد اجتماعی را دارد و همچنین در مرکز ارتباطات اجتماعی قرار می‌گیرد. تاریخ نه از زاویه ملت یا کشور، بلکه از زاویه گروه‌بندی انسان‌ها در جامعه، صرف نظر از زمان و مکان، نگریسته می‌شود. بنابراین، اسلام صرف تغییر از طریق نیروهای فیزیکی و اقتصادی را دگرگونی جامعه انسانی نمی‌داند. از دیدگاه اسلام، دگرگونی و انقلاب هنگامی رخ می‌دهد که درون وجود انسان به مثابه واحد اجتماعی متحول شده باشد و این تحول خود را در تغییر شرایط خارجی جامعه نشان خواهد داد. اینجاست که انقلاب اسلامی در

معنای حقیقی آن با انواع انقلاباتی که در غرب و دیگر نقاط ملاحظه کرده‌ایم، تفاوت اصلی دارد.

مفهوم انقلاب به معنی امروزی خود که در چند قرن اخیر در بسیاری از نقاط دنیا معمول شده است، در ادبیات جهان غرب از ریشه زبان لاتین آن به معنی «یک دور برگشت» است. در تعریف این مفهوم، انقلاب به عنوان تغییر اصلی در قدرت سیاسی و ساختار نظام و دولت منظم شده است. مثلاً ارسطو از دو نوع انقلاب سیاسی صحبت می‌کند. یکی تغییر کلی از نوعی نظام و حقوق سیاسی به نوع دیگر، و دیگری، تغییر و اصلاح نظام، قانون و حقوق سیاسی موجود است. توجه کنید که مفهوم انقلاب در طول قرن‌ها در ادبیات غرب با مفهوم سیاسی آن مترادف بوده است. انقلاب همیشه جوانب و تأثیرات و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و غیره داشته است، اما در این نوع تعریف انقلاب، سیاست مرکزیت پیدا می‌کند و بقیه در حاشیه قرار دارند. کارل مارکس در قرن ۱۹ در آثار خود، این مرکزیت را در انقلاب، متوجه اقتصاد و عوامل مادی کرد، ولی به عنوان ادبیات مربوط به انقلاب از جوانب و دیدگاه‌های سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی چندان تغییری پیدا نکرد و تنها عوامل و صنایع علوم اجتماعی و انسانی جدید غرب بدان افزوده شد. در ادبیات غرب، مفهوم انقلاب گاه‌گاه خارج از مفهوم سیاسی آن به کار رفته و در این موارد، لغت «انقلاب اجتماعی» به کار برده شده است. در نیمه قرن ۲۰، لغت انقلاب عمومیت وسیع‌تری یافت؛ به طوری که نویسندگان غرب از لغاتی مانند «انقلاب صنعتی» و «انقلاب اطلاعاتی یا ارتباطی» نام برده‌اند. در این گونه تعاریف، نظریات انقلاب از دیدگاه نویسندگان، تاریخ‌نویسان و اندیشمندان علوم اجتماعی غرب به چندین طبقه

دسته‌بندی شده است. این‌گونه صاحب‌نظران در نوشته‌های خود از انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان، از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، از انقلاب ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹ چین و از انقلاب یا جنگ استقلال آمریکا که هم‌زمان با انقلاب فرانسه انجام شد، نام برده‌اند. برخی از نویسندگان نیز در این تئوری‌ها تجدیدنظر کرده و با نظریات اقتصادی و اجتماعی متفکران مختلف تاریخ معاصر آمیخته‌اند. اگر شورش‌ها و نهضت‌های مختلف قرن ۲۰ را هم به انقلاب‌های بزرگ تاریخ بیفزاییم، همانند نهضت‌های استقلال‌طلبی در مکزیک، هند، کوبا، ایرلند و غیره، تعداد انقلاب‌ها، چند قرن اخیر از چند درصد تجاوز می‌کند.

اغلب آثار که درباره انقلاب اسلامی ایران منتشر شده، از نظریات و تئوری‌های مختلف انقلاب که در ادبیات غرب مرسوم است، سرچشمه گرفته است مانند تئوری توطئه، تئوری تجددگرایی و مدرنیزاسیون، تئوری اقتصاد، تئوری مذهبی و فرقه‌ای، تئوری دیکتاتوری، تئوری دموکراسی یا مردم‌سالاری.

انقلاب‌ها در اروپا و آمریکا و دیگر نقاط اهداف و انگیزه‌های ویژه خود را داشتند. جنبش به اصطلاح انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان، در حقیقت شورش اقلیتی به نام آریستوکرات‌ها و مالکان علیه اقلیت دیگر، یعنی خاندان سلطنتی و در رأس آن پادشاه بود. در آن جنبش، پارلمان که اقلیت مردم انگلستان را تشکیل می‌داد و فقط مالکان زمین حق رأی و انتخاب شدن در آن را داشتند، بر سلطنت و قدرت استحضاری آن پیروز شدند. در آن موقع، جان لاک، اندیشمند انگلیسی که منشی و هم‌نشین یکی از مالکان بزرگ به نام لرد شفتزبری بود و با او در هلند در تبعید به سر می‌برد، رساله حکومت خود را نوشت و از انقلاب بدون تأثیر در جامعه سخن گفت و مالکیت را اصل رأی و

آزادی دانست. رساله او درباره آزادی بیشتر خطاب به دو فرقه کاتولیک و مسیحی بود که در انگلستان و سراسر اروپا در مقابل یکدیگر صف کشیده بودند. انگلستان تا دهه ۱۹۲۰، همیشه با اقلیت مردم آن کشور پارلمان خود را انتخاب می‌کرد.

«انقلاب آمریکا» نیز در حقیقت جنگ استقلال آن کشور علیه سیاست‌های استعماری انگلستان بود. اقتباس توماس جفرسون، یکی از مؤسسان جمهوری ایالات متحده آمریکا از سخنان لاک - «حیات، آزادی و مالکیت». در اعلامیه استقلال آمریکا در ۱۷۷۶ به جمله «حیات، آزادی و رفاه» تبدیل و معروف شد؛ با این تفاوت که هنگام استقلال ایالات متحده، آمریکایی‌ها حقوق بشر را برای بومیان سرخ‌پوست و برده‌های سیاه‌پوست، تض کرده بودند و سال‌ها، مالکیت و دارایی یکی از شرایط حق رأی دادن و انتخاب شدن باقی‌مانده بود. تفاوت‌های انقلاب فرانسه هم با انقلاب‌های آمریکا و انگلستان متعدد است که در کتاب‌های تاریخی نقطه به نقطه یک فقره آن اشاره شده است؛ موضوع مستعمره بودن آمریکایی‌ها در مقایسه با فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها. از آنجا که انقلاب فرانسه شهروندان خارجی و غیر کشورها را مورد خطاب داده و جملات آزادی، مساوات و برادری را شعار کرده بود، نمود و اهمیت بیشتری نسبت به دیگر انقلاب‌ها در غرب پیدا کرد، ولی ضدیت انقلاب فرانسه با دین و سلطنت و تعصبات آن در هویت‌گرایی ملی یا ناسیونالیسم، پایه‌های اصلی آن جنبش تاریخی را تشکیل داد و طولی نکشید که به دیکتاتوری و امپراتوری ناپلئونی انجامید و بالاخره انقلاب‌های روسیه، چین بر مبنای دکترین و ایدئولوژی قدرت پرولتاریا یا کارگران جامعه صورت گرفت و ادعا کرد که تعامل بین مادی‌گرایی و عدالت اجتماعی را تأمین خواهد کرد.